

## بررسی آیه

# ﴿ثُلَّةٌ مِّنَ الْأُولَئِنَّ \* وَ قَلِيلٌ مِّنَ الْآخَرِينَ﴾\*

<sup>۱</sup> مهدی مطیع

<sup>۲</sup> محسن خالقی

<sup>۳</sup> پیمان کمالوند

### چکیده

خداوند در سوره مبارکه واقعه پس از اینکه انسان‌ها را به سه دسته «اصحاب المیمنه»، «اصحاب المشئمه» و «سابقون» تقسیم می‌کند، می‌فرماید گروه زیادی از سابقون از اولین بوده و اندکی از آن‌ها را آخرین تشکیل می‌دهند. تفاسیر به بیان مصداقی این مفاهیم و تبیین اولین و آخرین با معیار زمانی پرداخته‌اند که لازمه این اقوال تقلیل سابقون در گذر زمان بوده است.  
در آموزه‌های قرآنی و روایی، اولین، کسانی هستند که در پرتو ایمان به خدا و توحید، استعداد و ظرفیت‌های خود را شکوفا کرده و به فعالیت می‌رسانند، لذا اکثریت سابقون و اصحاب المیمنه را تشکیل می‌دهند، اما

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۲.

۱. استادیار دانشگاه اصفهان (mahdimotia@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mohsenkhaleghi464@yahoo.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (peyman.kamalvand@gmail.com).

آخرین که اقلیت سابقون را تشکیل می‌دهند، با اینکه روحیه و ظرفیتی مانند اولین ندارند، لکن دسترسی به مقام سابقون برای آن‌ها غیر ممکن نیست و می‌توانند در راستای عبودیت خداوند به این مقام نائل گرددند. در این پژوهش، بیان مصداقی این اصطلاحات در آموزه‌های قرآنی و روایی جهت شناسایی روحیه سابقون مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن، سورة واقعه، سابقون.

#### بیان مسئله

سوره مبارکه واقعه به جایگاه انسان‌ها در قیامت می‌پردازد. این سوره پس از شرح برخی از اوصاف قیامت و چگونگی وقوع آن، انسان‌ها را به سه دسته «اصحاب المیمنه»، «اصحاب المشئمه» و «سابقون» تقسیم کرده و به جایگاه هر یک در قیامت اشاره می‌کند. سابقون کسانی هستند که در نعمت‌های بی‌پایان و گوناگون بهشت از جمله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاکیزه و لذیذ (ر.ک: واقعه/ ۲۱-۱۸)، همسران پاکیزه، زیبا و دلنشیں (واقعه/ ۲۳-۲۲) به سر می‌برند. اصحاب المیمنه نیز در باغ‌هایی سرشار از انواع میوه‌ها که به آسانی در دسترس آنان است و هیچ گونه زوالی ندارند به سر می‌برند (واقعه/ ۳۳-۲۸) و با همسرانی بلندمرتبه که بسیار عشق‌ورز و با محبتند در بهشت به کام یابی مشغولند (واقعه/ ۳۷-۳۴). اما در سوی دیگر اصحاب المشئمه در گرمای سوزان جهنم به سر می‌برند و هیچ خنکایی احساس نمی‌کنند و سایه‌ای جز دود و گرد و غبار بر سر آن‌ها گسترده نیست (واقعه/ ۴۴-۴۲) و از بدترین خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها استفاده می‌کنند (واقعه/ ۵۲-۵۲).

خداؤند پس از اینکه نعمت‌های گوناگون سابقون در هدایت و مقربان در گاه الهی را بر می‌شمارد می‌فرماید: **﴿ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾** (واقعه/ ۱۴-۱۳)؛ گروهی بسیار از پیشینیان و اندکی از پسینیان هستند. تفاسیر به تبیین مصداقی و زمانی و ذکر احادیثی که مصاديق اولین و آخرین را از سابقون بیان کرده، پرداخته‌اند که موجب تقلیل سابقون در گذر زمان می‌باشد، لذا این تحقیق به همراه بررسی تفاسیر ارائه شده، سعی دارد با تحلیلی درون‌منشی و در نظر گرفتن اصطلاحات و آیات مرتبط، مفاهیم سابقون، اولین، آخرین و اصحاب المیمنه و چگونگی ارتباط آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد و مفهوم آیه مورد نظر را تبیین کند.

## ۱. اصطلاح‌شناسی

سبق: این واژه به معنای تقدم است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۵/۵). این لغت در ابتدا به معنای تقدم در سیر اطلاق می‌گردید و در آیاتی مانند **(فالشایعات سبقاً)** (نازاعات/۴)، **(إِنَّا ذَهَبْنَا سُبْقًا)** (یوسف/۱۷) و **(وَاسْتَبَقَ الْبَابَ)** (یوسف/۲۵) در این معنا استعمال شده است، اما به تدریج بر جنبه‌هایی دیگر، از جمله سبقت در انجام کارهای نیک و صالح اطلاق گردید که در آیات **(وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ)** (وافعه/۱۰) و **(وَنُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ)** (آل عمران/۱۱۴) به این معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۹۵).

یعنی: به معنای برکت و ضد شوم است (ابن اثیر جزیری، ١٣٦٧: ٥/٢٠). «مینه» و «مشئمه» ضد یکدیگرند و در معانی مبارکی و سعادت و نامبارکی و شقاوت استعمال می‌شوند (حسینی زبیدی، ٤١٤: ١٦/٣٨٠)، آن چنان که در آیات **﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْيَمِنَةِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الشَّيْطَنَةِ﴾** (بلد/ ١٨-١٩) به این معنا به کار رفته‌اند.

تل: دارای دو معنای متباین تجمع و سقوط و انهدام می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۶۸/۱). برخی معتقدند که خداوند ثُلَّه را از آن جهت برای سابقون و اصحاب المیمنه به کار برده است که ایشان شخصیت دنیاگی خود را منهدم کرده و به قرب الهی نائل شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۴/۲). ثُلَّه بر جمیعت کثیری از مردم نیز اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۰/۱۱). این واژه سه مرتبه در قرآن به کار رفته که قید کثرت در تمام آن‌ها لحاظ شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۱۲/۱)، آن چنان که تقابل ثُلَّه با قلیل دلالت بر کثرت عددی ثُلَّه دارد (زمخشیری، ۱۴۰۷: ۴۵۸/۴). همچنین تنوین «ثُلَّة» و ذکر ثُلَّه به شکل «وحدة» مانند لغت «أَمَّةً» در آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أَمَّةً قَاتَلَهُ اللَّهُ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُنْ مِنَ الْمُشَرِّكِينَ» (نحل/۲۰) به معنای تفحیم و اجلال این واژه است (حسینی استرابادی، ۱۴۰۹: ۶۲۱).

اوّل: به ابتدای هر چیزی گفته می شود (طیحی، ۱۳۷۵: ۳۱۱/۵) و اول و آخر نقیض یکدیگرند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۰/۱). اوّل چیزی است که بر دیگری تقدم دارد و این تقدم می تواند زمانی یا رتبی باشد؛ برای مثال حضرت ابراهیم علیہ السلام بر حضرت محمد علیہ السلام تقدم زمانی دارد و حضرت محمد علیہ السلام بر حضرت ابراهیم علیہ السلام تقدم رتبی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۰).

استعمال اولین و آخرین در بسیاری از موارد در قرآن مربوط به بعد زمانی آنها و ترتیب زمانی اولین بر آخرین است. اولین در ترکیب‌هایی از جمله: *أساطير الأولين* (تحلیل/۲۴)، *سنة الأولين* (الفال/۳۸)، *شیع الأولین* (حجر/۱۰)، *آباننا الأولین* (مؤمنون/۳۴)، *خلق الأولين* (شعراء/۱۳۷)، *جلبة الأولين* (شعراء/۱۸۴)، *زبر الأولين* (شعراء/۱۹۶)، أكثر الأولین (صفات/۷۱)، *نبي في الأولين* (زخرف/۶) و *مثل الأولين* (زخرف/۸) و آخرین در آیاتی از جمله: «وَاجْعَلْ لِي سَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء/۸۴)، «قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ» (وافعه/۴۹) به کار رفته‌اند که در این ترکیب‌ها به بعد زمانی این دو واژه اشاره شده است.

اولین و آخرین در آیاتی از جمله: «أَمْ نَهَلَكُ الْأَوَّلِينَ \* ثُمَّ شِئْهُمُ الْآخِرِينَ» (مرسلات/۱۶-۱۷) و «قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ» (وافعه/۴۹) در مقابل یکدیگر به کار رفته‌اند که در این آیات نیز به بعد زمانی و ترتیب زمانی اولین بر آخرین اشاره شده است.

البته لفظ اول و آخر در آیه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ وَهُوَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ» (حديد/۳) زمانی نیست؛ زیرا در این صورت زمان بر خداوند محیط خواهد بود و لازم می‌آید خود خدا جلوتر از زمان نباشد، در حالی که خداوند خالق زمان و محیط برآن است. بلکه منظور از اول و آخر در آیه این است که او محیط بر تمام اشیاست، به هر نحوی که اشیا فرض شوند. اگر فلان چیز را اول یا آخر فرض کنی خداوند به خاطر احاطه‌اش اول تر و آخرتر از آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۵/۱۹)؛ به عبارت دیگر به دلیل اینکه زمان حادث است و صفات خداوند متعال از جمله صفت اول و آخر ذاتی هستند و ذات خداوند از هر حدوثی پاک و منزه است، اول و آخر بودن خداوند در این آیه زمانی نیست، بلکه ذاتی است (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۳۷).

همچنین خداوند در این آیه دو صفت اول و آخر را در خویش جمع کرده و بیان می‌کند که خداوند در حالی که اول است آخر نیز هست؛ زیرا اول بودن خداوند به معنای مبدأ بودن اوست و آخر بودن خداوند به معنای مرتبه غایت وجودی ذات پروردگار است که این دو صفت پیوسته در ذات پاک خداوند جاری هستند (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۵۴-۱۵۳/۶). به عبارت دیگر اول و آخر بودن خداوند، وجودی است، نه زمانی (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۱۶).

## ۲. دیدگاه‌های موجود در تفسیر اولین و آخرین

۱۳۹

تفسیر ارائه شده از آیه فوق به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی ظهور حضرت محمد ﷺ را ملاک در تقسیم اولین و آخرین دانسته، معتقدند که سابقون در امت‌های گذشته بیشتر از امت حضرت محمد ﷺ می‌باشند (طوسی، بی‌تا: ۴۹۰/۹). گروهی دیگر با پذیرش قول اول در مورد مفهوم اولین و آخرین، معتقدند که این آیه توسط آیات «نَّلَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ \* وَنَّلَّهُ مِنَ الْآخِرِينَ» (وافعه/ ۳۹-۴۰) نسخ شده و در نتیجه تعداد سابقون امت حضرت محمد ﷺ از امت‌های گذشته کمتر نیست (الوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۵/۱۴)، درحالی که گروهی دیگر هر دو تعبیر اولین و آخرین را متعلق به امت حضرت محمد ﷺ می‌دانند (طنطاوی، بی‌تا: ۱۶۳/۱۴).

### ۲-۱. دیدگاه اول

تفسیر اول معیار تقسیم به اولین و آخرین را زمانی دانسته، معتقد است که منظور از اولین، امت‌های انبیای گذشته تا زمان حضرت محمد ﷺ و منظور از آخرین، امت حضرت محمد ﷺ است. طبق این دیدگاه سابقون در هدایت در امت‌های گذشته از امت حضرت محمد ﷺ بیشترند. برخی معتقدند که با توجه به موارد استعمال دو لفظ اولین و آخرین در آیات قرآن به خصوص آیات «...إِنَّا لَبَعَثْنَاكُمْ مَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ \* قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ \* لَجُنُومُكُمْ عَوَّنَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» (وافعه/ ۴۷-۵۰) اولین بر امت‌های گذشته و آخرین بر امت حضرت محمد ﷺ مطابقت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۲۱).

برخی از موافقان این دیدگاه با توجه به آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أَخْرَجْتَ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/ ۱۱۰) کثرت عددی سابقون را دلیلی بر کثرت کیفی ندانسته و بیان می‌کنند که کثرت سابقون امت‌های گذشته دلیلی بر برتری مقام آنها بر سابقون امت حضرت محمد ﷺ نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۲۰۷). به عبارت دیگر کثرت معنوی سابقون امت حضرت محمد ﷺ بیشتر از امت‌های گذشته است

(حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۶/۱۱۵).

برخی دیگر از ایشان نیز معتقدند که کثرت سابقون امت‌های گذشته مانعی برای

کثرت پیروان امت اسلامی نیست، بلکه مانند شهری است که تعداد علمایش از دیگر شهرها کمتر است، اما تعداد مردم و پیروان آن شهر از دیگر شهرها بیشتر است. لذا خداوند در ادامه می فرماید: «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَنَّلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» (واقعه/ ۴۰-۳۹) و بیان می کند که گروه زیادی از امت حضرت محمد ﷺ در زمرة اصحاب المیمنه می باشند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۷۸/۵).

گروهی دیگر منظور آیه «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ**» را پیامبران از آدم تا حضرت عیسی و اوصیای آنها تا زمان بعثت حضرت محمد ﷺ می دانند که تعدادشان کم و بیش به ۱۲۴ هزار نفر می رسد و «**وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» را منحصر به چهارده معمصون ﷺ و برخی بستگان آنها می دانند که دارای مقام عصمت بودند (طبیب، ۱۳۷۸: ۱۳۹۵/۱۲).

## ۲-۲. دیدگاه دوم

تفسیر دوم معتقد است که تعبیر اولین مربوط به امم گذشته و تعبیر آخرین مربوط به امت حضرت محمد ﷺ می باشد که در این صورت سابقون امت اسلامی کمتر از امتهای گذشته است، لکن این آیه به وسیله آیات «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَنَّلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» (واقعه/ ۴۰-۳۹) نسخ شده است. ایشان بیان می کنند وقتی آیات «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» (واقعه/ ۱۳-۱۴) نازل شد و پیامبر ﷺ آن را قرائت فرمود، بر صحابه گران آمد که سابقون این امت از امتهای گذشته کمتر بوده و تعداد کمی از امت حضرت محمد ﷺ مشمول مقام سابقون گردیده اند. لذا خداوند این آیه را به وسیله آیات ۳۹ و ۴۰ همین سوره نسخ کرد (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۳۶۲/۵).

اما این دیدگاه از آنجا که آیات «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» (واقعه/ ۱۴-۱۳) در مورد سابقون نازل شده و آیات «**نَّلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَنَّلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» (واقعه/ ۴۰-۳۹) درباره اصحاب المیمنه نازل گردیده است صحیح نمی باشد؛ زیرا موضوع آیات ناسخ و منسوخ یکسان نیست و این دو دسته آیات در مورد امر واحدی نازل نگردیده اند (زمختسری، ۱۴۰۷: ۴۵۹/۴).

## ۲-۳. دیدگاه سوم

تفسیر سوم، اولین و آخرین را از امت حضرت محمد ﷺ دانسته، بیان می کند که

اولین از ابتدا و آخرین از انتهای امت حضرت محمد ﷺ هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۲/۲۹)، آن چنان که حدیث «الفرقتان فی أمتی»، سابق فی أول الأمة ثلّة، سابق سائرها إلی يوم القيمة قلیل<sup>۱</sup> (اندلسی، ۱۴۲۰: ۷۹/۱۰) بر این معنا دلالت دارد.

برخی از ایشان معتقدند که دلالت آیه بر این معنا ظهور دارد؛ زیرا خطاب موجود در آیه مستلزم این است که منظور از اولین و آخرین، افراد همین امت باشند. طبق این دیدگاه هر سه گروه اصحاب المیمنه، اصحاب المشئمه و سابقون از امت حضرت محمد ﷺ هستند و آیه در مقام تبیین احوال امت اسلامی است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۲/۲۹).

در اثبات این نظریه به آیه دیگری از قرآن نیز استشهاد شده است، بدین نحو که با توجه به آیه «...لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفُتحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِهِ وَقَاتَلُوا كُلًا وَعَدَ اللَّهُ مَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ» (حدید/ ۱۰) خداوند بین کسانی که قبل و بعد از فتح مکه انفاق و جهاد کردند فرق گذاشته و کسانی را که قبل از فتح مکه انفاق و جهاد کرده بودند برتری می‌دهد. همچنین کسانی که زودتر به اسلام گرویدند نزد خداوند مقرب ترند، لذا تعداد سابقون در این افراد بیشتر از کسانی است که پس از گذشت زمان زیادی اسلام را پذیرفتند (همان).

#### ۴-۲. بیان مصاديق و زمانی تعابير سابقون، اولین و آخرین

هر سه نظر نقل شده به بیان مصاديق و تقسیم زمانی مفاهیم اولین و آخرین می‌پردازند. همچنین بسیاری از روایات در این زمینه به تبیین مصاديق سابقون از میان اولین و آخرین در امتهای گذشته و امت حضرت محمد ﷺ پرداخته‌اند. از جمله مصاديق سابقون که مفسران نقل کرده‌اند می‌توان به کسانی که بر دو قبله نماز گزاردن، سبقت گیرندگان در هجرت، اهل قرآن، پیشی گیرندگان در اسلام و جهاد (علبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲۰۲/۹)، سبقت گیرندگان بر نمازهای پنج گانه (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۹/۱۳)، سبقت گیرندگان در ایمان و کسانی که بر توبه و کارهای نیک پیشی می‌گیرند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۵/۹) اشاره کرد.

۱. هر دو فرقه اولین و آخرین از امت من هستند، حال آنکه سابقون اول امت از سابقون آخر امت می‌باشند.

امام صادق علیه السلام در جواب سؤالی، سابقون از اولین را هایل، مؤمن آن فرعون و حبیب نجار معرفی می کند و حضرت علی علیه السلام را مصدق سابقون از آخرین ذکر می کند (فرات بن ابراهیم کوفی، ۱۴۱۰؛ ۴۶۵). همچنین از امام محمد باقر علیه السلام نیز حدیثی با همین مضمون نقل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶؛ ۲۵۶/۵).

حضرت علی علیه السلام پنج تن از صحابه پیامبر از جمله خودشان، سلمان فارسی، صهیب، بلال حبشه و خباب (ابن بابویه، ۱۳۶۲/۱، ۳۱۲)، و امام صادق علیه السلام نیز زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید را به سابقون امت خویش لقب داده و آنها را مصدق آیه مورد بحث معرفی فرموده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸؛ ۲۱/۱۳). احادیثی دیگر علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروان او را مصادیق سابقون دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۴؛ ۷۲).

امام باقر علیه السلام در مورد خود و پیروانش می‌فرماید:  
«نحن السابعون السابعون ونحن الآخرون» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵؛ ۱۲۰/۵)؛ ما مصدق سابقون و آخرین هستیم.

در حدیثی شیعه به همین حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که به جمعی از شیعیانشان فرمودند:

«...أَنْتُمْ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ السَّابِقُونَ الْأُولَاءُ وَالسَّابِقُونَ الْآخِرُونَ وَالسَّابِقُونَ فِي الدُّنْيَا وَالسَّابِقُونَ فِي الْآخِرَةِ إِلَى الْجَنَّةِ...» (کلینی، ۱۴۰۷؛ ۲۱۳/۸)؛ شما شیعیان و انصار خدایید، شما سابقون اولین و سابقون آخرین و سابقون در دنیا و سابقون در آخرت به سوی بهشت هستید.

ذکر این نکته ضروری است که شیوه تبیین مصداقی مفاهیم سابقون، اولین و آخرین که بسیاری از اقوال مفسران و روایات واردہ را شامل می‌شود روشی در راستای الگوده‌ی به مؤمنان در جهت سیر الى الله است، لکن این شیوه نمی‌تواند معنایی کامل از مفاهیم سابقون، اولین و آخرین را تبیین کند.

از طرفی دیگر از پیامبر علیه السلام چنین نقل شده است:

«خَيْرُ الْقَرْوَنِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يُلَوَّنُهُمْ» (ابن کثیر دمشقی، ۸/۸؛ ۱۴۱۹)؛ بهترین دوره من است، سپس کسانی که به دنبال آنها می‌آیند و سپس کسانی که به دنبال آنها می‌آیند.

با توجه به این حدیث نمی‌توان معیار در تقسیم به اولین و آخرین و کثرت سابقون اولین بر سابقون آخرین را زمانی دانست، آن چنان که از پیامبر ﷺ به تواتر نقل شده که فرمود: «هفتاد هزار از امت من بدون حساب وارد بهشت می‌شوند».  
همان: ۹).

همچنین با توجه به روایت امام صادق علیه السلام درباره شیعیانشان (...أنتم السابقون الأولون والسابقون الآخرة والسابقون في الدنيا والسابقون في الآخرة...) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۳/۸) مشخص می‌گردد که نمی‌توان با معیاری زمانی به تقسیم اولین و آخرین پرداخت؛ زیرا در این صورت امکان تحقق این دو مفهوم در یک زمان بر شیعیان امام باقر علیه السلام نیست.

همچنین سخن مفسران در تبیین مفهوم اولین و آخرین و تقسیم زمانی این دو مفهوم مستلزم اندک بودن سابقون و مقربان در امت اسلامی بنا بر نظر اول و تقلیل عددی سابقون در گذر زمان بنا بر نظرات دیگر است که این تفاسیر بر خلاف تعبیری از جمله: «فَاسْتِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره/۱۴۸)، «فَاسْتَبْشُرُوا الصَّرَاطَ» (بس/۶۶)، «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ» (حديد/۲۱) و «سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ» (آل عمران/۱۳۳) می باشد که انسان ها را دعوت به پیشی گرفتن و سبقت در خیرات کرده - که امکان کثرت سابقون را در گذر زمان می رساند- و آثار تربیتی چندانی ندارد. از این رو بررسی آیه مورد نظر بدون در نظر گرفتن مفاهیم، اصطلاحات و آیات مرتبط و هم معنا امکان پذیر نیست.

### ۳. بررسی مفهوم سایق در قرآن و روایات

آیه **﴿أَفَمُؤْرِثُا لِكِتَابٍ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُدْلِنْ**  
**اللهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ** (فاطر / ۳۲) نیز مانند سوره مبارکه واقعه انسان‌ها را به سه دسته ظالم لنفسه، مقتصد و سابق بالخيرات تقسیم می‌کند که بررسی آن در تبیین مفاهیم

## ظالم لنفسه، مقتصد و سابق بالخيرات

تعابير ظالم لنفسه، مقتصد و سابق بالخيرات تعابيرى مطابق با أصحاب المشئمه،

اصحاب المیمنه و سابقون بوده که جایگاه انسان‌ها را در پذیرش صراط مستقیم و حق بیان می‌کنند. گروهی بر خویش ستم کرده و حق را نپذیرفته‌اند که با تعبیر اصحاب المشئمه معرفی شده‌اند. گروهی دیگر در پیمودن صراط مستقیم میانه رو بوده و مقتضانه در راه حق قدم بر می‌دارند که با تعبیر اصحاب المیمنه بیان شده‌اند، در حالی که گروهی دیگر در انجام خیرات از دیگران سبقت گرفته و به جایگاه قرب الهی رسیده‌اند که با تعبیر سابقون معرفی شده‌اند.

امام صادق علیه السلام نیز انسان‌ها را به سه دسته تقسیم کرده، می‌فرماید: گروهی تمام همتستان در تبعیت از نفسشان است، گروهی دیگر پیروان قلوب خویشنده و همت و تلاش گروه سوم در راستای خواسته‌های خداوند است. ایشان این سه گروه را با عنوان ظالم لنفسه، مقتضد و سابق بالخیرات معرفی می‌کند (عروسوی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۶۳/۴).

در حدیثی دیگر حضرت محمد ﷺ سابقون را این گونه معرفی می‌کنند:  
سابقون کسانی هستند که هنگامی که حق بر آن‌ها عرضه شود آن را می‌پذیرند و هنگامی که از آن‌ها در خواستی شود بذل و بخشش کرده و بین مردم به گونه‌ای حکم می‌کنند که گویی برای خود حکم می‌کنند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۷۹/۱۰).

حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه «وَسَارُوا إِلَى مَغْرِبٍ مِّنْ زَكْرِنَا وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتُ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۳) می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَنْ تَنالُوهَا إِلَّا بِالْتَّقْوَى»؛ ایشان تحقق تقوا و پاکی را شرط اصلی نیل به جایگاه سابقون و پیشتازان در مغفرت و قرب الهی می‌داند (عروسوی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۸۹/۱).

با توجه به آیات و روایات ذکر شده انسان‌ها متناسب با برخوردها نسبت به پذیرش حق و چگونگی پیمودن صراط مستقیم و تقوای پیشه شده به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ در واقع از دیدگاه قرآن، پذیرش حق، ایمان، تقوا و انجام خیرات، معیار سنجش و تقسیم انسان‌ها به اصحاب المشئمه، اصحاب المیمنه و سابقون است.

#### ۴. بررسی مفاهیم اولین و آخرین

با توجه به تبیین مفهوم و مصادیق سابقون در مباحث گذشته، اکنون به بررسی مفاهیم دو تعبیر اولین و آخرین می‌پردازیم.

## ۴-۱. تحلیل قرآنی، روایی اولین و آخرین

۱۴۵

قرآن انسان‌ها را در ظرفیت قبول حق به سه دسته تقسیم می‌کند؛ گروهی به خاطر کفر و شرک تمام استعدادهای خود را نابود کرده و اعمالشان چون سرابی بی‌حقیقت و ظلماتی در اعماق دریای عمق می‌ماند که موج‌هایی از ظلمت آن را پوشانده است و هیچ نوری برای آن‌ها وجود ندارد (ر.ک: نور/ ۳۹-۴۰).

قرآن گروهی دیگر را در کمال شکوفایی استعدادهایشان این گونه تشیه می‌کند: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثُلُّ نُورٍ كَمِشْكَافٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ فِي زُبَاجَةِ الزُّبَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرْرَىٰ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَوْنَةٍ لَا شَرْقَيَةٍ وَلَا غَرْبَيَةٍ يَكَادُ زَيْهَانِي ضَيْءٌ وَلَوْلَمْ تَسْسَهُ نَازُورٌ عَلَىٰ نُورٍ...﴾ (نور/ ۳۵). اینان چون روغنی می‌مانند که با کمال استعداد برای اشتعال بدون اینکه آتشی به آن برسد شعله‌ور می‌گردند و تمام استعدادهای خود را شکوفا می‌کنند و نور سرتاسر وجودشان را در بر می‌گیرد.

مابین این دو گروه، مؤمنان دیگری هستند که در قیامت نورشان از رویه‌رو و طرف راستشان به سرعت حرکت می‌کند و به خداوند عرضه می‌دارند: «...يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتَ نَارٌ نَاوِيْغَرْنَا نَأْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَلِيرْ» (تحریرم/ ۸)؛ و می‌گویند: «پروردگار! نور ما را کامل کن و ما را بیخش که تو بر هر چیز توانی». ۱۴۶

اولین که اکثریت سابقون را تشکیل می‌دهند کسانی هستند که حجاب‌های درونی و بیرونی خلی در پذیرش حق و تحقق ایمان در وجود آن‌ها ایجاد نکرده است. آنان دارای روحیه‌ای هستند که مانند روغنی با کمال استعداد برای اشتعال بدون اینکه آتشی به آن‌ها برسد شعله‌ور می‌گردند (ر.ک: نور/ ۳۵)، در حالی که آخرین که اقلیت سابقون را تشکیل می‌دهند روحیه و ظرفیتی ضعیف‌تر از کسانی دارند که هیچ خلی در وجودشان برای پذیرش حق ندارند، با این حال گروه اندکی از آنان در خیل سابقون قرار می‌گیرند. از طرفی دیگر اصحاب المشئمه مانند ظلماتی می‌مانند که استعدادهای خود را از بین برده و هیچ درخششی ندارند (ر.ک: نور/ ۴۰).

مفاهیم اولین، آخرین، اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و همچنین کثرت سابقون اولین بر سابقون آخرین در هر امتی جاری است و هر دوره تاریخی مانند دانشگاهی است که برخی از دانشجویان مردود و برخی دیگر پیرو مکتب اسلامی

بوده و در هر دوره‌ای کسان دیگری نیز هستند که قوام تربیت و تعلیم اسلامی به دست آن‌هاست (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱۶)؛ به خاطر همین حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «امت من مانند باران است که مشخص نیست اولش بهتر است یا آخرش» (صدق، ۱۳۹۵: ۲۶۹/۱)؛ زیرا دین همان گونه که برای تبلیغ و رشد خود محتاج به اولین امت اسلامی است به آخرین امت نیز برای تداوم و رشد هر چه بیشتر خود احتیاج دارد، همانند زرعی که برای رشد خود غیر از نیاز به باران‌های اول به باران‌های دوم و آخر نیز نیازمند است. در همین راستا حضرت محمد ﷺ دریاره امت خویش فرمود: پیوسته طایفه‌ای از امت من بر حق ظهور می‌کنند و کسانی که آن‌ها را پست می‌شمارند و با آن‌ها مخالفت می‌کنند هیچ ضرری تا روز قیامت به آن‌ها نمی‌رسانند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۸/۹).

با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود کسانی که دارای روحیه حق‌پذیری بالایی هستند در هر زمانی که باشند از جهت رتبه از سابقون اولین و پیشگامان در قرب الهی به شمار می‌روند، آن چنان که سخن امام صادق علیه السلام در حق یارانشان بر این معنا دلالت دارد:

...أَنْتُمْ شِيَعَةُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَنْتُمْ السَّابِقُونَ الْأُولَوْنَ وَالسَّابِقُونَ الْآخِرُونَ  
وَالسَّابِقُونَ فِي الدُّنْيَا وَالسَّابِقُونَ فِي الْآخِرَةِ إِلَى الْجَنَّةِ... (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۲۱۲).

البته باید به این نکته توجه کرد که سبقت زمانی در کنار معیار و ملاک‌های دیگر یکی از ملاک‌های تحقق این روحیه در وجود انسان به شمار می‌رود. بنابراین روایات دو ثلثه موجود در آیات **﴿لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ \* ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ \* وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾** (واقعه ۳۸-۴۰) را از امت حضرت محمد ﷺ دانسته (بغوی، ۱۴۲۰: ۵/۱۶) و مفسرانی مانند مجاهد و حسن در تفسیر آیات فوق بیان می‌کنند که هر دو ثلثه موجود در آیه از امت حضرت محمد ﷺ هستند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷/۱۰۹). آن چنان که ملاحظه می‌شود خداوند در این آیات بر خلاف آیات مربوط به سابقون که اندکی از آخرين را مشمول کسب مقام سابقون معرفی می‌کند، جمعیت کثیری از اولین و آخرين را جزء اصحاب اليمين می‌داند. اولین که روحیه حق‌پذیری بالایی دارند و دارای کمال استعداد جهت شکوفایی قابلیت‌های خود هستند اکثریت سابقون و

اصحاب اليمين را شامل می‌شوند؛ لكن جمعیت اندکی از آخرين به سبب سعی و تلاش بیشتر به زمرة اولین ملحق گشته و به مقام سابقون نائل می‌گردد، حال آنکه اکثر آن‌ها به اصحاب اليمين پیوسته‌اند، لذا خداوند در آیات ۳۹ و ۴۰ از قلیل به ثله عدول می‌کند.

آنچه در فهم احادیثی که برخی از گذشتگان را مصدق سابقون اولین معرفی می‌کنند اهمیت دارد، جدایی بین مفهوم و مصدق سابقون اولین و سابقون آخرین است؛ سابقون اولین از نظر مفهومی کسانی هستند که پس از عرضه حق بر آن‌ها، آن را بدون هیچ درنگی می‌پذیرند و در راستای تحقق آن در وجود خوبیش کوتاهی نمی‌کنند، لذا این مفهوم در تمام امت‌ها وجود داشته (عالی، ۱۴۱۸: ۳۶۲/۵)، لكن برخی از احادیث واردہ به معرفی مصادیق آن در امت‌های گذشته پرداخته و برخی دیگر به بیان مصادیق آن در امت حضرت محمد ﷺ می‌پردازند.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تبیین مفهوم آیه «**ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ**» پرداخته شد. تفاسیر ارائه شده سه نظریه را مطرح نمودند و از سویی مشخص گردید که بیان مصدقی سابقون اولین و سابقون آخرین به جهت ارتباط جدی‌تر مخاطب با قرآن کریم و اینکه خود را مصدق همه تعالیم آن دانسته و امید به کمال و رشد و ملحق شدن به بالاترین درجات بندگان را داشته باشد، در برخی از روایات صورت گرفته است، لكن نمی‌توان با معرفی مصادیق این مفاهیم به معنای جامع و کاملی از آیه دست یافت، همچنین تقسیم اولین و آخرین با معیارهای زمانی، موجب از بین رفتن آثار تربیتی آیه گردیده و بر خلاف آیات دیگر که به تحقق روحیه سبقت در خیرات تشویق می‌کنند، موجب از بین رفتن انگیزه‌های لازم جهت دستیابی به مقام بلند سابقون می‌گردد.

بنا بر آیات قرآن افراد در پذیرش حق و شکوفایی استعدادهای خود به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی با کمال استعداد جهت شکوفایی استعدادهایشان در پرتو تو حید، استعدادها و ظرفیت‌های خود را به فعلیت می‌رسانند که اکثریت اینان به

زمرة سابقون می‌پیوندند. اما گروهی دیگر که چنان ظرفیت و قابلیتی را جهت شکوفایی استعدادها یشان در خود ایجاد نکرده‌اند، با سعی و تلاش خویش می‌توانند در زمرة سابقون فرار بگیرند، لذا اقلیت این مقام را به خود اختصاص می‌دهند، این در حالی است که گروهی دیگر در پرتو کفر و شرک، استعداد و ظرفیت‌های انسانی خویش را زیر طبقاتی از ظلمت و تاریکی دفن کرده‌اند که در زمرة اصحاب المشتمه قرار می‌گیرند.

کتاب شناسی

١. آلوسى، سيد محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق.

٢. ابن اثير جزري، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والاثر، قم، اسماعيليان، ١٣٦٧ ش.

٣. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.

٤. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على يضون، ١٤١٩ ق.

٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ ق.

٦. اندلسي، ابو حيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، بيروت، دار الفكر، ١٤٢٠ ق.

٧. بحراني، سيد هاشم، البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بعثت، ١٤١٦ ق.

٨. بغوی، حسين بن مسعود، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ ق.

٩. بيضاوى، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٨ ق.

١٠. ثعالبى، عبد الرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٨ ق.

١١. ثعلبى نيشابوري، ابو سحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٢ ق.

١٢. حسينى استر آبادى، سيد شرف الدين، تأویل الآيات الظاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعة مدرسین حوزة علمية قم، ١٤٠٩ ق.

١٣. حسينى زيدى، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ ق.

١٤. حسينى همدانى، سيد محمد حسين، انوار درخشنان، تهران، کتابفروشی لطفی، ١٤٠٤ ق.

١٥. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بيروت، دار القلم - الدار الشاميه، ١٤١٢ ق.

١٦. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غواصات التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.

١٧. شيرازى، محمد بن ابراهيم (ملاصدرا)، تفسير القرآن الكريم، قم، بيدار، ١٣٦٦ ش.

١٨. صادقى تهرانى، محمد، البلاغ فى تفسير القرآن بالقرآن، قم، مؤلف، ١٤١٩ ق.

١٩. صدوق، محمد بن على بن حسين بن بازويه قمي، الخصال، قم، جامعة مدرسین، ١٣٦٢ ش.

٢٠. همو، كمال الدين و تمام النعمه، تهران، اسلاميه، ١٣٩٥ ق.

٢١. طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعة مدرسین حوزة علمية قم، ١٤١٧ ق.

٢٢. طبرى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصرخسرو، ١٣٧٢ ش.

٢٣. طبرى، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفه، ١٤١٢ ق.

٢٤. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، ١٣٧٥ ش.

٢٥. طنطاوى، سيد محمد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، بي جا، بي تا.

٢٦. طوسي، محمد بن حسن، الامالي، قم، دار الثقافة، ١٤١٤ ق.

٢٧. همو، البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.

٢٨. طيب، سيد عبدالحسين، طيب البيان فى تفسير القرآن، تهران، اسلام، ١٣٧٨ ش.

٢٩. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه، تفسير نور التقليين، قم، اسماعيليان، ١٤١٥ ق.

٣٠. فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ ق.

۳۱. فرات بن ابراهیم کوفی، ابراهیم، *تفسیر نسروت کوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاہ، *التفسیر الصافی*، تهران، مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.
۳۴. قرشی، سیدعلی اکبر، *تفسیر احسن الحديث*، تهران، بعثت، ۱۳۷۷ش.
۳۵. همو، *قاموس قرآن*، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۶. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۸. مصطفوی، سیدحسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.